



گزارشی از

## نقدهای منتشر شده بر ترجمه‌های فارسی قرآن

مهدی اکبر زاده

مقدمه

نوشته حاضر گزارشی است از نقدهای انجام شده بر ترجمه‌های فارسی قرآن کریم. در این گزارش ابتدا معنا و مفهوم نقد و تاریخچه نقد ترجمه فارسی قرآن کریم بررسی خواهد شد و آن گاه به ارزیابی و مباحثی در رابطه با نقدهای انجام شده بر ترجمه‌های فارسی پرداخته خواهد شد.

با بررسی که انجام گرفته باید گفت تنها کتابی که تا کنون ویژه نقد ترجمه قرآن کریم به چاپ رسیده است کتاب «عیار نقد بر ترجمان وحی» به خنامه جناب آقای هادی حجت می باشد که به عنوان پایان نامه دوره کارشناسی ارشد نویسنده بوده و بعداً توسط انتشارات فرهنگ گستر در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده که باید از زحمات و تلاش‌های نویسنده این کتاب تقدیر و تشکر کرد. و ما در این نوشتار از اطلاعات و برخی منابع این کتاب بهره برده ایم.

البته در برخی کتاب‌های دیگر جسته و گریخته به موضوع نقد ترجمه‌های فارسی، پرداخته شده ولی نه به صورت انحصاری که می توان از کتاب‌های قرآن پژوهی و سیر بی سلوک جناب آقای بهاء الدین خرم شاهی و به تاریخ ترجمه از عربی به فارسی ج ۱ اثر استاد دکتر آذرتاش آذرنوش نام برد.

از آنجا که بیشتر قریب به اتفاق این نقدها، در مقالات روزنامه‌ها و مجلات چهل سال اخیر به چاپ رسیده است، عمده این گزارش مربوط می شود به نقدهای موجود در مجلات چند دهه اخیر و به ویژه دو دهه اخیر که یا به صورت ویژه در حوزه پژوهش‌های قرآنی منتشر شده‌اند همانند نشریه بینات، پژوهش‌های قرآنی و ترجمان وحی و یا به گونه‌ای خاص و

مناسبت خاصی به موضوعات قرآنی پرداخته، مانند مجلات آینه پژوهش، مترجم، وقف میراث جاویدان، کیهان اندیشه... و برخی روزنامه‌های کثیرالانتشار.

## نقد، در لغت و اصطلاح

نقد در زبان فارسی به معانی متعدد و مختلفی آمده است. مرحوم دهخدا معانی زیادی برای آن ذکر کرده که ما چند معنای متناسب را می‌آوریم:<sup>۱</sup>

الف: سره کردن درم و دینار (از غیاث اللغات) ب: سره کردن درم و جز آن (متهی الارب)

ج: بهمین چیزی گزیدن

د: آشکار کردن عیب کلام (اقرب المولود) ه: نظر کردن در شعر و سخن و تمیز دادن خوب آن از بدش (متن اللغة)

معنای اخیر همان معنای اصطلاحی است، و نظر به این معنا می‌توان چنین برداشت کرد که برخلاف تصور معمول، نقد، صرفاً بر شمردن نقایص یک اثر نیست بلکه بیان مزایا و نقاط قوت آن نیز در حیطه معنای نقد است.

## پیشینه نقد ترجمه‌های فارسی قرآن کریم

موضوع نقد ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، تقریباً مبحثی نو می‌باشد که تا دهه‌های اخیر مورد غفلت قرار گرفته است. در میان انبوه کتاب‌هایی که در طول تاریخ اسلام نوشته شده، می‌توان به جرأت ادعا کرد هیچ کتاب مستقلی تا دهه اخیر در ارتباط با نقد ترجمه‌های فارسی ارائه نشده است.

گرچه ترجمه فارسی قرآن دارای پیشینه کهن و سابقه دیرینه‌ای است که بر قرن چهارم هجری<sup>۲</sup> بر می‌گردد، ولی سابقه نقد چندان برخوردار از قدمت نیست، و در گذشته موضوع نقد ترجمه‌های فارسی مورد عنایت و توجه نبوده است و این پدیده جدیدی است که عمر آن از چند دهه تجاوز نمی‌کند.

نویسنده کتاب عیار نقد بر ترجمان وحی دلایل عدم توجه پیشینیان را به نقادی ترجمه‌های قرآن کریم را چنین برمی‌شمرد:

۱. چنان که گذشت به نظر می‌رسد نقد کتاب آن هم به معنایی که امروزه برای این واژه سراغ داریم در آن زمان هنوز رواج و رونقی بدین سان نداشته است. و لذا در آثار کهن شاید به ندرت مطلبی یافت شود که به نقد ترجمه‌ی یکی از آثار علمی و یا ادبی آن زمان پرداخته باشد.

۲. با نگاهی به نقدهای نوشته شده در نیم قرن اخیر پی می‌بریم که حجم قابل توجهی از آنها به عدم رعایت ساختارهای نحوی دو زبان مبدأ و مقصد، دخالت عنصر تفسیر در ترجمه و افزوده‌های تفسیری برمی‌گردد ولی فضای غالب بر ترجمه‌های کهن، تحت اللفظی بودن آنها و کم‌رنگ بودن رعایت ساختارهای نحوی فارسی در آنهاست، تا آن جا که یکی از پژوهشگران معاصر تاریخ ترجمه از عربی به فارسی در این باره می‌نویسد:

آن بزرگان جرأت نکردند قرآن را ترجمه کنند هر چند ما به کار آنها ترجمه می‌گوییم ولی در واقع شاید نامگذاری غلطی باشد، بهتر است نام کار آنان را معادل یابی بگذاریم.<sup>۳</sup>

۳. این احتمال نیز وجود دارد که تسری دادن اندیشه‌ی قداست قرآن و نقد ناپذیری عبارات و معانی بلند آن به ترجمه‌های بشری که از این کلام الهی به عمل می‌آمد در عدم استقبال نقادان به نقادی ترجمه‌های قرآن کریم بی‌تأثیر نبوده است.<sup>۴</sup> استاد آذرتاش آذرنوش درباره علت نقد نشدن ترجمه تفسیر طبری<sup>۵</sup> می‌نویسد:

به گمان ما، ترجمه‌ای که به اشارت امیر سامانی تدارک دیده شده بود و به فتوای فقیهان ماوراءالنهر پشت گرم بود. ناچار می‌بایست حرمت و مشروعیت خاصی یافته باشد، آن چنان که هر کسی به ترجمه قرآن نیاز داشت می‌کوشید به آن ترجمه دست یابد و بدین سان از گزند هر گونه انتقاد به دور ماند.<sup>۶</sup>

به هر حال دلایلی که ذکر شد زمینه‌های نقد نشدن ترجمه فارسی قرآن کریم در دوره‌های پیشین را تشکیل داده و همین‌ها باعث شده‌اند که نقدی جدی و مستقل بر ترجمه‌های فارسی وارد نشود و تنها موارد اندکی در لابلاي نوشته‌های گذشته، پاره‌ای از موارد را به نقد کشیده‌اند. شاه ولی‌الله دهلوی (م ۱۱۷۶ ق) در عبارتی ترجمه‌های پیش از خود را چنین به نقد می‌کشد: ... یک چند در تفحص ترجمه‌ها افتاد تا هر که را از تراجم، غیر آن که به خاطر مقرر

شده است، مناسب باید در ترویج آن کوشد و کیف ما امکن پیش اهل عصر مرغوب نماید. در بعضی تطویل ممتل یافت و در بعضی تقصیر مخل، هیچ یک موافق آن میزان نیفتاد. لاجرم عزم تالیف ترجمه دیگر مصمم شد...<sup>۷</sup>

و نیز در جای دیگری از مقدمه اش می نویسد:

... پنجم آن که ترجمه ها خالی از دو حالت نیستند یا ترجمه تحت اللفظ باشند، یا حاصل المعنی، و در هر یک وجوه خلل بسیار در می یابد و این ترجمه جامع است در هر دو طریق، و هر خللی را از آن خلل ها علاجی مقرر کرده باشد و این سخن دراز است، در رساله قواعد ترجمه بیان کرده آید.<sup>۸</sup>

البته در پاره ای از نوشته های ناقدان معاصر و از لابلای آنها اندک موارد نقد ضمنی بر ترجمه های فارسی گذشته وجود دارد آقای ابوالقاسم پاینده در مقدمه ترجمه اش می نویسد:

... شاید سرچشمه این آشفتگی ها، قسمتی از آنجاست که مترجمان، هنگام کار، فراموش می کرده اند که معانی را در قالب کلمات فارسی باید ریخت و کلمات را به سیاق جملات فارسی باید برد... برای نمونه، جمله ای چند از یک ترجمه بسیار قدیم قرآن را که بعضی متادیان بحکم کهنسالی، شاهکار ترجمه های قرآنش می خوانند در اینجا می آورم مثلاً ترجمه آیه ۲۳۱ از سوره بقره چنین است:

«و چون طلاق دهید زنان را برسند بوقت عدت ایشان مه باز داریدشان که شوهری کنند زنانشان را چون پسندند میان ایشان به نیکوی، این پند دهند بدان آنکه بود از شما که بگردد، بخدای و روز رستخیز.»<sup>۹</sup>

### تاریخچه نقد ترجمه های معاصر قرآن به فارسی

بنا به گفته نویسنده مقاله تاریخچه نقد ترجمه های فارسی<sup>۱۰</sup> اولین مقاله ای که مشخصاً در مطبوعات ایران به نقد یکی از ترجمه های قرآن کریم به زبان فارسی پرداخته است، نقدی است که استاد شهید مرتضی مطهری در اردیبهشت سال ۱۳۳۷ در مجله یغما بر ترجمه آقای ابوالقاسم پاینده نوشته است.

استاد مطهری می نویسد:

هر چند ملاحظاتی که در ترجمه آقای پاینده به نظر اینجانب رسید تا آنجا که تاکنون

موفق به مطالعه آن شده‌ام طوری نیست که بتوان نام آن را «خطای فاضح» گذارد، ولی این قدر هست که بتوان سکوت در برابر آن را ناروا شمرد. مطالعات اینجانب در این ترجمه از اول قرآن به ترتیب نبوده، بلکه بر حسب تصادف، اولین قسمتی که مورد مطالعه قرار گرفت سوره مبارکه یس بود. و اینک آنچه که در ترجمه این سوره مبارکه به نظر رسیده در معرض مطالعه خوانندگان محترم مجله یغما قرار می‌دهم و اگر توفیق رفیقم شد بعداً به سایر قسمت‌ها می‌پردازم.<sup>۱۱</sup>

این نقد ابتدا در نشریه یغما، سال ۱۳۳۷، شماره ۱۱ به چاپ رسیده ولی متأسفانه ادامه پیدا نکرده.

پس از استاد مطهری (ره)، نقدی مفصل از سوی علامه فرزانه که در هفت قسمت در مجله یغما، از دی ۱۳۳۷ تا مهر ۱۳۳۸ به چاپ رسید.

نقد سوم هم بر همین ترجمه توسط آقای غلامرضا طاهر، در سال ۱۳۴۰ که در شماره ۹ سال ۱۴ مجله یغما به چاپ رسید.

پس از مقالات این سه تن تاریخچه نقد ترجمه‌های قرآن کریم با رکودی ۲۸ ساله مواجه شد. دورانی که می‌توان آن را در دوران رکود و فترت نقد ترجمه‌های قرآن کریم نامید زیرا از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۸ که آغاز مرحله جدید نقد به شمار می‌رود، هیچ مقاله‌ای در مجلات و روزنامه‌های ایران در این زمینه به چاپ نرسیده. تنها مقاله‌ای که می‌توان در این فاصله از آن نام برد، مقاله‌ای بود که مرحوم سید محمد محیط طباطبائی در نقد ترجمه آقای شهرام هدایت با عنوان «نظری جدید به ترجمه‌ای جدید از قرآن مجید» در سال ۱۳۵۹ در مجله آینده به چاپ رساند.

سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۱ نیز بدون نقد سپری شد اما سال ۱۳۷۲ با چاپ کتاب قرآن پژوهی توسط آقای بهاء الدین خرم شاهی شاهد چند نقد جدی و جدید بر ترجمه‌های فارسی آقایان آیتی، بهبودی، فارسی، خواجه‌وی و الهی قمشه‌ای بودیم.

این روند ادامه یافت تا این که در سال ۱۳۷۵ نقد ترجمه‌های قرآن کریم با چاپ حدود ۲۳ مقاله در نقد و جواب نقد به نقطه خود رسید، روندی که پس از آن مسیر نزول مواجه شد. در این قسمت چهار نمودار در مورد نقد ترجمه‌های فارسی قرآن کریم ذکر می‌کنیم:

۱. ترجمه‌هایی که بیشترین مقالات نقد و بررسی در باره آنها منتشر شده است.

ردیف	نام ترجمه	تعداد مقالات
۱	آقای خرمشاهی	۳۰ مورد
۲	مرحوم پاینده	۱۶ مورد
۳	آقای فولادوند	۱۶ مورد
۴	آقای آبتی	۱۵ مورد
۵	مرحوم الهی قمشه‌ای	۶ مورد
۶	آقای بهبودی	۶ مورد

با توجه به جدول بالا ترجمه جناب آقای خرمشاهی با ۳۰ مورد نقد و جواب نقد بیشترین مقالات در این زمینه را به خود اختصاص داده است.

۲. افرادی که بیشترین مقالات نقد یا جواب نقد را به چاپ رسانده‌اند:

ردیف	نام ترجمه	تعداد مقالات
۱	آقای خرمشاهی	۱۷ مورد
۲	علامه سید محمد فرزانه	۱۲ مورد
۳	آقای استاد ولی علوم انسانی و مطالعات	۸ مورد
۴	آقای کریمی نیا	۸ مورد

۳. نشریاتی که بیشترین مقالات نقد را به چاپ رسانده‌اند:

ردیف	نام نشریه	تعداد مقالات
۱	بینات	۳۳ مورد
۲	ترجمان وحی	۱۲ مورد
۳	وقف میراث جاویدان	۱۰ مورد
۴	یغما	۹ مورد

۴. تعداد مقالات چاپ شده به ترتیب سنوات:

ردیف	سال	تعداد
۷	۱۳۷۲	۱۲ مورد
۸	۱۳۷۳	۱۱ مورد
۹	۱۳۷۴	۱۷ مورد
۱۰	۱۳۷۵	۲۳ مورد
۱۱	۱۳۷۶	۱۴ مورد
۱۲	۱۳۷۷	۷ مورد

ردیف	سال	تعداد
۱	۱۳۳۷	۴ مورد
۲	۱۳۳۸	۴ مورد
۳	۱۳۴۰	۵ مورد
۴	۱۳۵۹	۱ مورد
۵	۱۳۶۸	۲ مورد
۶	۱۳۷۰	۴ مورد

با توجه به اینکه بررسی موردی تمامی مقالات نقد از حوصله و هدف این نوشته خارج است لذا در این قسمت به ترتیب ترجمه‌هایی که بیشترین میزان نقد متوجه آنها بوده به گزارشی از آن نقدها می‌پردازیم:

#### ترجمه آقای خرم شاهی

این ترجمه در سال ۱۳۷۴ طی چهار سال به انجام رسیده است مؤلف در پیوست‌های ترجمه خود چنین نوشته‌اند:

... سرانجام با تکیه بر عنایات الهی، دست به کار شدم و این در آذر ماه ۱۳۷۰ هـ. ش بود... و تحقق این طرح درست چهار سال (از آذر ماه ۱۳۷۰ تا آذر ماه ۱۳۷۴) به طول انجامید.<sup>۱۲</sup>

بدیهی است با سابقه‌ای که مؤلف و مترجم در زمینه کارهای ترجمه‌ای و نقد ترجمه‌ها داشته‌اند به گونه‌ای که بیشترین مقالات نقد ترجمه‌های فارسی قرآن کریم از وی به چاپ رسیده، ترجمه او از قرآن کریم، مورد توجه ویژه قرار گیرد و این توجه باعث به وجود آمدن نقد و بررسی‌های متعددی در ارتباط با آن شده است. تا بدانجا که بیشترین مقالات نقد و پاسخ نقد از میان ترجمه‌های قرآنی به این ترجمه اختصاص یافته است و ۳۰ مورد نقد و پاسخ نقد در مجلات و روزنامه درباره این ترجمه به چاپ رسیده است: و این حکایت از توجه خاص

قرآن پژوهان به اثر دارد.

همان گونه که برخی از نویسندگان یادآور شده‌اند<sup>۱۳</sup> شاید یکی از دلایل نقدهای متعدد نوشته شده بر این ترجمه علاوه بر شهرت مترجم، توقع بالایی بود که مشتاقان و منتظران این ترجمه از آن داشتند، اشتیاقی که مقالات فوق در ایجاد و افزایش آن بی تأثیر نبوده‌اند. اولین و جنجال برانگیزترین نقد بر این ترجمه را آقای هوشنگ گلشیری در سوم خرداد ۱۳۷۵ در روزنامه سلام به چاپ رساند، آقای خرم شاهی در دهم خرداد در همان روزنامه پاسخی به مقاله فوق با عنوان «بوریا باف و کارگاه حریر» نوشت، که جناب گلشیری مجدداً در دو شماره ۱۷ و ۲۴ خرداد در مقام جواب برآمد. البته کم رنگی مباحث علمی در این رد و بدل مشخص بوده است.

از جمله نقدهای علمی بر ترجمه آقای خرم شاهی نقدی است که توسط جناب آقای محمد علی رضایی در شماره ۵ و ۶ نشریه پژوهش‌های قرآنی به چاپ رسیده است. نویسنده مقاله در ابتدا به معرفی ترجمه آقای خرم شاهی پرداخته و آن گاه چند امتیاز برای آن و نقدهایی را ذکر می‌کند.

وی در بیان امتیازات این ترجمه می‌نویسد:

۱. این ترجمه روان، خوشخوان و جذاب است، به گونه‌ای که خواننده بدون مراجعه به متن آیات چندین صفحه از ترجمه را مطالعه و درک و فهم آیات را در خود احساس می‌کند وی در این مورد هم کاستی‌هایی را برمی‌شمرد!

الف) در برخی جاها، فارسی روان برابر واژه‌ها انتخاب نشده‌اند مثلاً ۱۵ بار در قرآن «م ا ملکت ایمانهم» آمده که برابر آن ملک یمین قرار داده شده و جز سه بار در قلاب «کنیزان» به عنوان توضیح آورده شده که واژه ملک یمین برای فارسی زبانان مأنوس نیست.

ب) گزینش برخی از واژه‌ها از فارسی کهن که باعث کاسته شدن از شفافیت نیز شده مانند: «ذریه» به «زاد و رود»، «خوض» به «ژاژخایی» و «اعتداء» به «بیروشی کردن» ترجمه شده است. خود مترجم محترم در توضیح ترجمه گفته است:

یک واژه غریب و ناشفاف می‌تواند ترجمه یک صفحه را و لو آن که خوب باشد، به تباهی بکشد.

۲. امتیاز دیگر این ترجمه وجود برابر و معادل برای همه واژه‌ها و ترکیبات قرآنی است. انصاف



این است که ایشان در این زمینه از بیش تر ترجمه های پیش از خود ممتازند، ولی موارد اندکی از واژه ها و عبارات ترجمه نشده نیز به چشم می خورد.

۳. از ویژگی های دیگر این ترجمه، توضیحات، واژه نامه قرآنی، مقالات، فهرست توضیحات و... است.

و اما موارد نقد در چند بند ذکر کرده که تحت عنوان ناهماهنگی گفتار مترجم با روش علمی ترجمه آورده و ما به اختصار آنها را ذکر می کنیم:

الف) در صفحه ۶۳۵ می خوانیم: «در فارسی قدیم شاید «از به درستی که» و «به تحقیق» برای قد/ لقد و «همانا» «ان» و... استفاده می کردند، ولی کاربرد این ادات و حروف در فارسی امروز غریب است.»

ولی خود مترجم در موارد فراوانی از ترجمه، برای «ان» و حتی «انما» برابر «همانا» را برگزیده است.

ب) مترجم در همان صفحه نوشته اند: «ترجمه در آن هنگامی که برای «اذ» در اغلب موارد نارواست. ولی مترجم معادل های متفاوتی آورده که برخی از آنها صحیح نیست مانند: «چون» «و یاد آورید که» «یاد کنید» «آنگاه» «یاد کن»...»

ج) باز در همان جا نوشته اند: یا در ترجمه «ان الله علی کل شیء قدیر» به جای آن که «بر هر چیز تواناست» بیاوریم «بر هر کاری تواناست» آورده ایم.

اما در هر دو مورد این چنین نکرده اند و ترجمه کرده اند «بر همه چیز تواناست» که دارای اشکالاتی است. ۱۴.

#### ترجمه مرحوم پاینده

مؤلف در مقدمه ترجمه می نویسد: «در ترجمه حاضر مبنای کار من بر این بوده که از معانی قرآن آنچه را عرب عادی، دریافت تواند کرد، به فارسی بیاورم. برای این منظور کلمه ها را به معادل فارسی آن برگردانیده و آن گاه کلمه های فارسی را که از این کار به دست آمده در قالب جمله های فارسی ریخته ام، مگر درباره مجازها که این کار میسر نبود. بنابراین با اطمینان توانم گفت که این ترجمه با تمام دقت های ممکن، یک ترجمه تحت اللفظی است. و مثل بسیاری از مترجمان به نقل مفهوم و الحاق عبارات اضافی، دست نزده ام، فقط در بعضی

موارد به اقتضای کلام، یک و گاهی دو کلمه بر جمله افزوده‌ام که آن را نیز میان هلال نهاده‌ام که مشخص باشد. ۱۵

شهید مطهری یکسال پس از چاپ این ترجمه، نقدی را در پنج بند بر ترجمه سوره یس این ترجمه نوشتند و ظاهراً این نقد استاد، اولین نقدی است که در دوره‌های اخیر در مجلات ایران به چاپ می‌رسد.

۱. در ترجمه آیه ۳۳ «و آیه لهم الارض الميته احييناها و اخرجنا منها حيا...» این طور آمده: «زمین موات برای ایشان عبرتی است که زنده‌اش کرد و دانه‌ای از آن بیرون آورده‌ایم...» در اینجا ارض میته به معنای زمین مرده است، یعنی زمینی که در فصل سرما و زمستان حالت افسردگی و جمود به خود می‌گیرد، زمین موات ترجمه شده. این ترجمه صحیح نیست زیرا زمین موات به حسب عرف فارسی و عرف و لغت عربی و اصطلاح قوانین حقوقی و اصطلاح فقهی که مأخذ عرف امروز ما و اصطلاحات حقوقی است در مقابل ارض عامره است. زمین عامر یعنی زمینی که تحت حیات و تصرف اشخاص درآمده و مورد یک نوع انتفاع از انتفاعات انسانی قرار گرفته، مثل اینکه در آن ساختمان شده و یا کشت و زرع به عمل آمده و زمین موات زمینی است که عمرانی در آن صورت نگرفته... در این آیه کریمه که از زنده کردن زمین یاد شده، به طور قطع مقصود حیات در فصل سرما و زمستان، حالت افسردگی به خود می‌گیرد و موقتاً قوه رویندین گیاه‌ها را از دست می‌دهد، و در فصل بهار حیات و زندگی خود را از سر می‌گیرد.

بدیهی است که موت و حیات طبیعی زمین ربطی به معمور بودن و غیر معمور بودن زمین از لحاظ انسانی ندارد... ضمناً بعد از مراجعه معلوم شد که در مطلق موارد مشابه که در وصف زمین، کلمات میت، میت و میته آورده شده، مترجم محترم، موات ترجمه کرده‌اند مثل آیه ۱۶۴ از سوره بقره و آیه ۵۷ از سوره اعراف و آیه ۴۹ از سوره فرقان و آیه ۹ سوره فاطر و آیه ۱۱ از سوره زحرف و آیه ۱۱ از سوره ق»

۲. ملاحظه کلی که در این ترجمه قرآن هست و آن همان است که مترجم محترم در صفحه ۳۲ مقدمه با این عبارت تذکر داده‌اند: «... در این ترجمه به قرائت‌های مختلف قرآن جز آنچه متن موجود مطابق آن ضبط شده نظر داشته‌ام و به اقتضای مقام، گاهی قرائتی را جز قرائت برگزیده و ترجمه را مطابق آن کرده‌ام.»

... وقتی که تلاوت و قرائت خود قرآن برخلاف آنچه معهود و مشهور میان مسلمانان است و لا اقل برخلاف قرائت قراء سبعة، جایز نباشد، تکلیف ترجمه معلوم است، به نظر من همان طوری که روا نیست که ما امروز قرائت‌های مخالف قرائت مشهور و معروف میان مسلمانان را به جای متن فعلی گذاشته و چاپ کنیم، ایضاً روانیست که ترجمه آنها را به عنوان ترجمه قرآن در دسترس عموم بگذاریم.<sup>۱۶</sup>

در پی آن مرحوم علامه سید محمد فرزانه یک سلسله نقد به صورت مقالات مسلسل در ۷ شماره در مجله یغما بر ترجمه مرحوم پاینده نوشت که برخی نقدهای استاد را بر این ترجمه تا ۴۰۰ ایراد شمرده‌اند و سپس آقای غلامرضا طاهر مقاله‌ای را در راهنمای کتاب، ش ۱۱ و ۱۲ در سال ۱۳۴۰ به چاپ رساند.

در شماره ۲۹ مجله بینات نقدی از سوی آقای علی رضا ذکاوتی قراگزلو بر ترجمه آقای ابوالقاسم پاینده به چاپ رسیده است.

نویسنده در مقدمه ضمن تقدیر از تلاش مترجم و قدردانی از او به بیان نکات ضعفی در ترجمه وی پرداخته که ۴۳ مورد را برمی شمرد. ناقد قبل از وارد شدن به بیان ایرادات موردی می‌گوید:

نکته بسیار مهم این است که گاهی متن مورد استفاده مرحوم پاینده که همان قرائت و کتابت مشهور است با ترجمه او سازگار نیست و معلوم می‌شود قرائت شاذی را مورد توجه قرار داده است.

سپس به بیان چند مورد از اشکالات ترجمه می‌پردازد که ما چند مورد از آنها را ذکر می‌کنیم:

۱. سوره بقره / ۷۶ «افلا تعقلون» را «آیا به عقل نیامده‌اید» ترجمه کرده که وجه ماضی دانسته نشده، در بصائر یمنی (قرن ششم) آن را چنین ترجمه کرده است: «آیا هیچ نمی‌اندیشید و هوش نمی‌دارید؟»

۲. سوره نساء / ۴۹: «بل الله یزکی من یشاء» ترجمه نشده است.

۳. سوره اسراء / ۱۶: «امرنا مترفیها» را چنین معنی کرده: «عیاشان را امارات دهیم» پیدا است که «امرنا» را با تشدید خوانده که قرائت شاذی است و با متنی که همراه ترجمه چاپ کرده سازگار نیست. به علاوه «ها» را نیز که در اینجا به «قریه» بر می‌گردد، ترجمه نکرده است. ۱۷

### ترجمه استاد فولادوند

این ترجمه که بنا به تأیید تعدادی از صاحب نظران از جمله آقایان خرمشاهی، ملکیان، مهدوی راد، مهدی محقق و کامران فانی، از میان ترجمه‌های منتشر شده در ۵۰ سال اخیر بهترین می‌باشد<sup>۱۸</sup> با تلاشی ممتد و طولانی به انجام رسیده است و طبق آنچه ذکر شده پس از تلاش ۳۰ ساله مؤلف، این ترجمه، با بررسی مجدد سه ساله‌ای توسط تعدادی از فضلاء قرآن پژوه علمیه قم در سال ۱۳۷۳ منتشر شده است.<sup>۱۹</sup>

این ترجمه مورد توجه قرآن پژوهان و دوست داران قرآن گرفت و به همین خاطر هم نقدهایی به آن متوجه شد.

مترجم محترم در نوشته‌ای که در پایان ترجمه به چاپ رسانده می‌نویسد:

در این ترجمه فشرده (متکی به خود)، ما به عنایت الهی کوشیده‌ایم که با حداقل توضیحات بین الہلالین، معانی بلند کتاب آسمانی را باز نمائیم و ضمائر و حروف مؤکده و مقدره را نادیده، و تا حد ممکن، از آن در متن مقدس فاصله نگیریم.

از آنجا که این ترجمه با اقبال قرآن پژوهان مواجه شده است، طبیعی می‌نماید که با نقادهایی نیز روبرو شود و بر همین اساس یکی از معدود ترجمه‌هایی می‌باشد که ناقدان ترجمه‌ها را به خود جلب کرده و حجم نسبتاً زیادی از مقالات که تعداد آن به ۱۶ مقاله می‌رسد در نقد و بررسی این ترجمه در مجلات مختلف به چاپ رسیده است.

اولین نقد این ترجمه وزین، توسط جناب آقای محمد علی سلطانی در شماره ۵ نشریه بینات به چاپ رسید، که در این مقاله ناقد ضمن ستایش و تمجید فراوان از ارائه این ترجمه توسط جناب آقای فولادوند تأکید دارد که این مقاله بیشتر توجه به ارائه پیشنهادات است تا نقد و ایراد به مفهوم خرده گیری.

وی پس از بیان مقدمه به طرح بحث مبنایی پرداخته که استاد در توضیح ترجمه‌اش ذکر کرده و آن نادیده گرفتن ضمائر و حروف مؤکده مقدره است که این روش را مورد بحث دانسته است.

سپس ترجمه سوره بقره را مورد بررسی قرار داده و ۳۴ مورد از نقدهای وارد بر آن را ذکر کرده است.

چند نمونه از این نقدها

۱. بقره/ ۱۲: «... ألا انهم هم المفسدون و لکن لا يشعرون» بهوش باشید که آنان

فسادگرانند، لیکن نمی فهمند» همان گونه که پیداست، در ترجمه تاکید لازم کاملاً نادیده گرفته شده است. و حال آنکه دلیلی بر این نادیده گرفتن وجود نداشته.

۲. بقره / ۵۹: «فانزلنا علی الذین ظلموا رجزا من السماء بما كانوا یفسقون»... و ما [نیز] بر آنان که ستم کردند به سزای اینکه نافرمانی پیشه کرده بودند عذابی از آسمان فرو فرستادیم. در این آیه تعبیر فسق آمده است و ترجمه آن به «نافرمانی» ترجمه به معنای التزامی است و بهتر بود معنای مطابقی آن آورده شود.

۳. بقره / ۲۴۳: «الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم و هم الوف... آیا از [حال] کسانی که از بیم مرگ از خانه های خود خارج شدند، و هزاران تن بودند، خبر یافتی؟» چه ضرورتی که «الم تر» به خبر نیافتن ترجمه شود. مناسب آن است که به «آیا نمی نگری» ترجمه شود و این نگرش به معنی تدبیر در تاریخ است. ۲۰

پس از این نقد، در تابستان ۱۳۷۴ آقای مرتضی کریمی نیا در فصلنامه حوزه و دانشگاه سال ۱ شماره ۳، مقاله نسبتاً مفصلی در نقد ترجمه جناب آقای فولادوند به چاپ رسانده اند. نقد سوم این ترجمه توسط جناب آقای مسعود انصاری در تابستان ۷۵ در شماره ۱۱ مجله بینات به چاپ رسیده که در این نقد، ناقد محترم به بررسی موارد لغزش در ترجمه سوره بقره پرداخته است.

سپس جناب آقای احمد احمدی در شماره ۱۳ همان مجله به نقد سه ترجمه از جمله ترجمه آقای فولادوند پرداخته است.

### ترجمه استاد آیتی

اولین بار این ترجمه به سال ۱۳۶۷ منتشر شد و مورد توجه واستقبال اندیشمندان قرار گرفت به گونه ای که در فاصله ۴ سال سه بار به چاپ رسیده است. استاد خرم شاهی در جایی چنین می نویسند:

«یکی از فرخنده ترین و مهم ترین رویدادهای تاریخ یک هزار و یکصد ساله قرآن مجید

به فارسی، ترجمه شیوای استاد عبدالمحمد آیتی، مترجم نامدار معاصر از آن است. ۲۱

و در جای دیگر می گویند:

... و اما ترجمه استاد عبدالمحمد آیتی من حیث المجموع شیواترین و سراسرترین

و خوشخوان‌ترین و متین‌ترین و دقیق‌ترین و امروزی‌ترین ترجمه قرآن مجید است. ۲۲  
البته این ترجمه که مورد اقبال اندیشمندان قرار گرفت مورد نقادی نیز واقع شد، به گونه‌ای  
که ۱۵ مقاله در نقد و بررسی این ترجمه در مجلات به چاپ رسیده است.

اولین نقدی که بر این ترجمه به چاپ رسید توسط جناب آقای علیرضا قراگزلو در شهریور  
۱۳۶۸ در مجله نشر دانش به چاپ رسید. همان سال آقای سید عبدالوهاب طالقانی در  
کیهان اندیشه آیات متعددی از ترجمه آیتی را تحت ده عنوان کلی به نقد می‌کشد.

آقای خرم‌شاهی در کتاب قرآن پژوهی یادآور می‌شود که از میان ۸۸ نکته و یادداشت که  
در ارتباط با این ترجمه داشته‌اند مترجم محترم ۶۱ نکته را پذیرفته و در چاپ‌های بعدی اصلاح  
شده و ۲۷ نکته دیگر را نپذیرفته‌اند، و در همان قسمت، نقد مفصلی را به رشته تحریر در  
آورده که مشتمل است بر ۴۵ مورد. از موارد نقد این ترجمه به چند مورد توجه کنید:

۱. آیه ۳ سوره نساء ص ۷۸: ... فان خفتم الا تعدلوا فواحدة او ما ملکت ایمانکم چنین  
ترجمه شده است: «اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نکنید تنها یک زن بگیرید، یا هر چه  
مالک آن شوید» عبارت «یا هر چه مالک آن شوید» در ترجمه «او ما ملکت ایمانکم» اگر چه  
درست است اما رسا نیست. یعنی یا فقط یک زن بگیرید یا به کنیزتان اکتفاء کنید.

۲. آیه ۱۲۲ سوره انعام: او من کان میتا فاحیناه... چنین ترجمه شده است «آیا آن کسی  
که مرده بود و ما زنده‌اش ساختیم...» به اجماع مفسران و مترجمان، مراد میت در اینجا مرده  
بیجان واقعی نیست، بلکه «مرده دل» است.

۳. آیه ۳۳ سوره اعراف: عبارت قرآنی مالم ینزل به سلطانا چنین ترجمه شده است: «که هیچ  
دلیلی بر وجود آن نازل نشده است» به نظر می‌رسد که مترجم محترم «ما ینزل» به صیغه مجهول  
خوانده‌اند که چنین ترجمه کرده‌اند. اما فاعل تنزیل، در این آیه و عبارت، خداوند است.

۴. آیه ۱۲ سوره کهف: آیه ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا چنین  
ترجمه شده است! «سپس بیدارشان کردیم تا بدانیم کدام یک از آن دو گروه حساب مدت  
آرمیدنشان را داشته‌اند» باز هم اشاره به علم الهی در ترجمه «لنعلم» «تا بدانیم» آورده‌اند که  
درست نیست درست آن است که تا معلوم داریم.

صاحب نظران دیگری مقالاتی در نقد این اثر به چاپ رسانده‌اند. آقای سید حیدر علوی  
نژاد در بهار سال ۱۳۷۴ نقدی را بر این اثر به چاپ می‌رساند. آقای محمد دانشگر در تابستان

۱۳۷۴ در فصلنامه مصباح مقاله‌ای را در ارتباط با سه ترجمه آقایان آیتی، مکارم و مجتبوی به چاپ رسانده.

آقای محمد علی کوشا مفصل‌ترین نقد را بر این ترجمه در تابستان ۱۳۷۵ در مجله وقف میراث جاویدان به چاپ رساند که در این مقام نویسنده متجاوز از ۱۷۰ اشکال خرد و کلان بر ترجمه وارد دانسته است.

آقای مسعود انصاری نیز، در مجله بینات بهار ۱۳۷۶ نقدی بر ترجمه چهل آیه اول سوره توبه به چاپ رسانده و بالاخره آقای دکتر احمد احمدی در همان شماره مقاله‌ای با نام بلای تقلید ترجمه در ترجمه‌های قرآن به نقد آیاتی از ترجمه‌های آقایان آیتی، خرم شاهی و فولادوند پرداخته است.

#### ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای

یکی دیگر از ترجمه‌هایی که مورد توجه و عنایت صاحب نظران قرار گرفته است، ترجمه مرحوم حکیم الهی قمشه‌ای است. این ترجمه که نخستین بار در سال ۱۳۲۳ به چاپ رسیده است. تحول جدیدی در زمینه ترجمه قرآن کریم به فارسی محسوب می‌شود که تاکنون به کرات در تیراژ فراوان به چاپ رسیده است.

اولین نقدی که بر این ترجمه وارد شده، نقد مرحوم ابوالقاسم پاینده است. ایشان بدون ذکر نام، پنج نمونه از لغزش‌های آن را متذکر می‌شود.<sup>۲۳</sup>

دومین نقد این ترجمه به وسیله آقای سید عبدالوهاب طالقانی که در زمستان ۱۳۶۸ در شماره ۲۸ مجله کیهان اندیشه به چاپ رسیده است.

سومین نقد را جناب آقای خرم شاهی به صورت مبسوط و در ۱۱۰ بند در کتاب قرآن پژوهی به چاپ رسانده است که بخشی از آن نقد نیز، در مجله وقف میراث جاویدان شماره ۳ به چاپ رسیده است.

آقای دکتر احمد بهشتی در شماره ۵ مجله وقف، در دفاع از ترجمه مرحوم الهی و رد برخی از ایرادات وارد شده بر این ترجمه، مقاله‌ای را به چاپ رسانده‌اند.

۱. لغتنامه دهخدا، چاپ دانشگاه تهران (چاپ جدید)، ج ۱۴، ماده نقد.
۲. بنابر نظر محققان اولین ترجمه قرآن کریم به فارسی بنا به دستور منصور بن نوح سامانی (۳۵۰ - ۳۶۶ ق) بوده چون ملاحظه کرد که خود و دیگر مردم کشورش از فهم قرآن عاجزند و برای درک معانی آن همواره ناگزیرند به عرب‌ها مراجعه کنند بر آن شد که ترجمه‌ای از قرآن تدارک ببیند. مراجعه شود به کتاب تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ۱/ ۲۶-۲۷، دکتر آذرتاش آذرنوش.
۳. تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ترجمه‌های قرآن (گفت و گو) سروش، ش ۸۲۲، سال هیجدهم.
۴. هادی حجت، عیار نقد بر ترجمان وحی / ۶۰-۶۱، انتشارات فرهنگ گستر.
۵. درباره اینکه آیا کتاب ترجمه تفسیر طبری، به راستی ترجمه تفسیر طبری است، استاد دکتر آذرتاش آذرنوش مباحثی در کتاب تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ۱/ ۴۹، مطرح کرده که برخی همانند مرحوم زریاب خوبی معتقد است این ترجمه، ترجمه تفسیر طبری نیست.
۶. همان / ۳۳.
۷. فتح الرحمن بترجمة القرآن، شاه ولی الله دهلوی، چاپ لاهور پاکستان، مقدمه، ص ب.
۸. همان، ص د-ه.
۹. مقدمه آقای پاینده بر ترجمه قرآن کریم، ص ل-ی.
۱۰. هادی حجت، مجله ترجمان وحی، شماره ۶، ص ۵۴.
۱۱. مجله بینات، سال سوم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۷۵، ص ۹۶-۱۰۴، که مجدداً در این نشریه چاپ شده است.
۱۲. پیوست‌های ترجمه، گفتار مترجم / ۶۵۰.
۱۳. عیار نقد بر ترجمان وحی / ۱۰۳.
۱۴. پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵ و ۶، صص ۳۹۲-۴۰۵.
۱۵. مقدمه ترجمه پاینده، ص لب.
۱۶. مجله بینات، سال سوم، شماره ۴، مسلسل ۱۲، ص ۱۰۱-۱۰۲.
۱۷. همان، سال هشتم، شماره ۱، مسلسل ۲۹، ص ۹۶-۱۰۱.
۱۸. قرآن کریم با ترجمه جناب آقای فولادوند، چاپ شده در آخر قرآن.
۱۹. بهاء الدین خرم شاهی، قرآن پژوهی / ۳۴۳.
۲۰. بینات، شماره ۵.
۲۱. قرآن پژوهی / ۳۴۶.
۲۲. سیربسی سلوک / ۱۴۳.
۲۳. مقدمه آقای پاینده بر ترجمه قرآن / ۳، تهران: جاویدان.